

## سیری در نهج البلاغه

این مجموعه نفیس و مقدس به نام «نهج البلاغه» که اکنون در دست ما است و روزگار از کهنه کردن آن ناتوان است، و گذشت زمان، و ظهور افکار و اندیشه‌های نو تر و روشن تر مرتباً بر ارزش آن افزوده است، منتخبی است از «خطابه‌ها» و «دعاها و وصایا» و «نامه‌ها» و «جمله‌های کوتاه» مولای متقیان علی (ع) که بوسیله سید شریف بزرگوار «رضی» رضوان الله علیه در حدود هزار سال پیش گردآوری شده است.

آنچه تردیدناپذیر است اینست که علی (ع) چون مرد سخن بوده است، خطابه‌های فراوان انشاء کرده، و به تناسبهای مختلف جمله‌های کوتاه فراوان از او شنیده شده است، همچنانکه نامه‌های فراوان خصوصاً در زمان خلافت نوشته است، و مردم مسلمان علاقه و عنایت خاصی به حفظ و ضبط آنها داشته‌اند.

«مسعودی» که تقریباً صدسال پیش از سید رضی میزیسته است (اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری) در جلد دوم مروج الذهب تحت عنوان «فی ذکر لمع من کلامه و اخباره و زهد» میگوید: «آنچه مردم از خطابه‌های علی در مقامات مختلف حفظ کرده‌اند (۱) بالغ بر چهارصد و هشتاد و اندی میشود، علی (ع) آن خطابه‌ها را بالبدیهه و بدون یادداشت و پیشنویس انشاء میکرد، و مردم هم الفاظ آنرا میگرفتند و هم عملاً از آن بهره‌مند میشدند».

گواهی دانشمند خبیر و متبعی مانند مسعودی میرساند که خطابه‌های علی چه قدر فراوان بوده است، در نهج البلاغه تنها ۲۳۹ قسمت به نام خطبه نقل شده است، در صورتیکه مسعودی چهارصد و هشتاد و اندی آمار میدهد و به علاوه اهتمام و شیفتگی طبقات مختلف را بر حفظ و ضبط سخنان مولی میرساند.

\* \* \*

### سید رضی و نهج البلاغه

سید رضی شخصاً شیفته سخنان علی (ع) بوده است، او مردی ادیب و شاعر و سخن‌شناس بود، ثعلبی که معاصروی بوده در باره‌اش گفته است: «او امروز شگفت‌ترین مردم عصر و

(۱) برای من معلوم نیست که مقصود مسعودی اینست که در متن کتب حفظ شده است و یا مقصود اینست که مردم از بر کرده‌اند و یا هر دو قصد شده است.

شریفترین سادات عراق است و گذشته از اصالت نسب و حسب به ادب روشن و فضل کامل آراسته شده است ...

اواز همه شعرای آل ابی طالب بر تراست باینکه آل ابی طالب شاعر برجسته فراوان دارند، اگر بگویم در همه قریش شاعری به این پایه نرسیده است دور از صواب نگفته‌ام، (۱) سیدرضی بخاطر همین شیفتگی که به ادب عموماً و به کلمات علی (ع) مخصوصاً داشته است بیشتر از زاویه فصاحت و بلاغت و ادب به سخنان مولی می‌نگریسته، و به همین جهت هم در انتخاب آنها این خصوصیت را در نظر گرفته است، یعنی آن قسمتها بیشتر نظرش را جلب میکرده است که از جنبه بلاغت برجستگی خاص داشته است و از این رو نام مجموعه منتخب خویش را «نهج البلاغه» نهاده است، و به همین جهت نیز اهمیتی به ذکر مآخذ و مدارك نداده است، فقط در موارد معدودی به تناسب خاصی نام کتابی را می‌برد که آن خطبه یا نامه در آنجا آمده است.

در يك مجموعه تاریخی و یا حدیثی در درجه اول باید سند و مدرك مشخص باشد و گرنه اعتبار ندارد، ولی ارزش يك اثر ادبی در لطف و زیبایی و حلاوت و شیوایی آن است. در عین حال نمی‌توان گفت که سیدرضی از ارزش تاریخی و سایر ارزشهای این اثر شریف غافل بوده است و تنها متوجه ارزش ادبی آن بوده است.

شاید شهرت و شیاع این کلمات در کتب و در اقواء به حدی بوده است که چندان نیازی به ذکر مآخذ و مدرك احساس نمی‌کرده است، و می‌پنداشته است که آن مدارك و مآخذ برای همیشه در دست خواهد بود و از دستبرد حوادث مصون خواهد ماند.

خوشبختانه در عهدها و عصرهای متأخرتر افراد دیگری در پی گردآوری اسناد و مدارك نهج البلاغه برآمده‌اند، و شاید از همه مشروحتر و جامعتر کتابی است به نام «نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه» که در حال حاضر بوسیله یکی از فضایل ممتبع و ارزشمند شیعۀ عراق به نام محمد باقر محمودی در حال تکوین است، در این کتاب ذی‌قیمت مجموعه سخنان علی (ع) اعم از خطب، اوامر، کتب و رسائل، و صایا، ادعیه، کلمات قصار جمع‌آوری شده این کتاب شامل نهج البلاغه فعلی و قسمتهای علاوه است که سیدرضی آنها را انتخاب نکرده و یاد را اختیارش نبوده است و ظاهراً جز قسمتی از کلمات قصار مدارك و مآخذ همه بدست آمده است. تاکنون چهار جلد از این کتاب چاپ و منتشر شده است.

این نکته نیز ناگفته نماند که کارگردآوری مجموعه‌ای از سخنان علی (ع) منحصر به سید رضی نبوده است، افرادی دیگری نیز کتابهایی با نامهای مختلف در این زمینه تألیف کرده‌اند که معروف‌ترین آنها «غرر در آمدی» است که محقق جمال الدین خوانساری آنرا بفارسی شرح کرده است و اخیراً با همت فاضل منتبغ عالیقدر آقای میرجلال‌الدین محدث ارموی، از طرف دانشگاه تهران چاپ شده است.

«علی‌الجندی» رئیس دانشکده علوم در دانشگاه قاهره در مقدمه‌ای که بر کتاب «علی بن ابی طالب، شعر و حکمه» نوشته است، چند کتاب و نسخه را نام میبرد. از این مجموعه‌ها که برخی از آنها بصورت خطی مانده است و هنوز چاپ نشده است، از این قرار می‌باشد:

۱- دستور معالم الحکم، از قضاعی صاحب الخطط.

۲- «نثر اللئالی» این کتاب بوسیله یک مستشرق روسی در یک جلد ضخیم ترجمه و منتشر شده است.

۳- «حکم سیدنا علی (ع)» نسخه خطی در دارالکتب المصریه.

\*\*\*

### دوامتیاژ

کلمات امیر المؤمنین (ع) عموماً از قدیمترین ایام با دوامتیاژ همراه بوده است و با این دوامتیاژ شناخته می‌شده است: یکی فصاحت و بلاغت، و دیگر چندجانبه بودن و باصلاح امروز چندبعدی بودن. هر یک از این دوامتیاژ به تنهایی کافی است که به کلمات علی (ع) ارزش فراوان بدهد، ولی توأم شدن این دو بیکدیگر یعنی اینکه سخنی در مسیرها و میدانهای مختلف و احیاناً متضاد رفته و در عین حال کمال فصاحت و بلاغت خود را در همه آنها حفظ کرده باشد، سخن علی (ع) را قریب به حد اعجاز قرار داده است و به همین جهت سخن علی در حد وسط کلام مخلوق و کلام خالق قرار گرفته است و درباره اش گفته‌اند: «فوق کلام المخلوق و دون کلام الخالق».

زیبایی و فصاحت:

این امتیاز نهج البلاغه برای فردی که سخن شناس باشد و زیبایی را درک کند نیازی به توضیح و توصیف ندارد، اساساً زیبایی درک کردنی است نه وصف کردنی. نهج البلاغه پس از نزدیک چهارده قرن برای شنونده امروز همان لطف و حلاوت و گیرندگی و جذابیت را دارد که برای مردم آن روز داشته است، ما نمیخواهیم در مقام اثبات این مطلب بر آئیم ما به تناسب بحث، گفتگویی درباره تأثیر و نفوذ سخن علی در دلها و در برانگیختن اعجابها که از زمان خود آنحضرت تا

امروز با این همه تحولات و تغییراتی که در فکرها و ذوقها پیدا شده ، ادامه دارد ، انجام میدهم و از زمان خود آنحضرت آغاز میکنیم :

یاران علی (ع) خصوصاً آنان که از سخنوری بهره‌ای داشتند شیفته سخنانش بودند، ابن عباس یکی از آنها است. ابن عباس آنچه‌نامه «جاحظ» در «البيان والتبيين» نقل میکند خود خطیبی زبردست بوده است (۱)

وی اشتیاق خود را به شنیدن سخنان علی (ع) و لذت بردن خویش را از سخنان نقر آن حضرت کتمان نمیکرده است چنانکه هنگامی که علی (ع) خطبه معروف ششقیه را انشاء فرمود ابن عباس حضور داشت، در بین، مردی از اهل سواد کوفه نامه‌ای که مشتمل بر مسائلی بود بدست علی داد سخن قطع شد. علی پس از قرائت آن نامه با آنکه ابن عباس تقاضا کرد سخن را ادامه دهد ادامه نداد، ابن عباس گفت هرگز در عمر خود از سخنی متأسف نشدم آنچه‌نامه بر قطع این سخن متأسف شدم .

ابن عباس در مورد یکی از نامه‌های کوتاه علی که بعنوان خودش صادر شده میگوید :  
«بعد از سخن پیامبر اکرم (ص) از هیچ سخنی باندازه این سخن سود نبردم» (۲)

معاویه بن ابی سفیان که سرسخت‌ترین دشمنان وی بود به زیبایی فصاحت خارق‌العاده سخن حضرت معترف بود محقق بن ابی محقق به علی (ع) پشت میکند و معاویه رومی‌آورد و برای اینکه دل معاویه را که از کینه علی (ع) می‌جوشد خرسند سازد گفت: از نزد بی‌زبانترین مردم بنزد تو آمدم. آنچه‌نامه این چاپلوسی مشمژکننده بود که خود معاویه او را ادب کرد. گفت وای بر تو! علی بی‌زبانترین افراد است! قریش پیش از علی از فصاحت آگاهی نداشت، علی به قریش درس فصاحت آموخت .

آنان که پای‌منبر او می‌نشستند سخت تحت تأثیر قرار میگرفتند ، مواعظ وی دل‌ها را می‌لرزاند و اشک‌ها را جاری می‌ساخت، هنوز هم کدام دل‌است که خطابه‌های موعظه‌ای علی (ع) را بخواند و یا گوش کند و بلرزه نیاید ، سیدرضی پس از نقل خطابه معروف «الغراء» (۳) میگوید : وقتی که علی (ع) این خطابه را القا کرد بدن‌ها لرزید ، اشک‌ها جاری شد ، دل‌ها به طپش افتاد !

(۱) : جلد اول صفحه اول ۲۳۰

(۲) : نهج البلاغه ، بخش نامه‌ها شماره ۲۲ .

(۳) : خطبه ۸۱

همان بن شریح یکی از یاران وی است دلی از عشق خدا سرشار و روحی از آتش معنی شعله ور داشت، با اصرار و ابرام، از علی میخواست سیمای کاملی از پارسایان برایش ترسیم کند علی از طرفی نمیخواست جواب بی‌أس بدهد و از طرفی میترسد همان تاب شنیدن نداشته باشد لذا با چند جمله مختصر سخن را کوتاه میکند، اما همام راضی نمی‌شود بلکه آتش شوقش تیزتر میگردد، بیشتر اصرار میکند و او را سوگند میدهد. علی شروع بسخن کرد، در حدود ۱۰۵ صفت (۱) در این ترسیم گنجانید و هنوز ادامه داشت اما هر چه سخن علی ادامه مییافت و اوچ میگرفت ضربان قلب همام بیشتر میشد و روح متلاطمش متلاطمتر میگشت و مانند مرغ محبوسی میخواست قفس تن را بشکند، ناگهان فریاد هولناکی جمع شنوندگان را متوجه خود کرد، فریاد کننده کسی جز همام نبود، وقتی که به بالینش رسیدند قالب تهی کرده و جان به جان آفرین تسلیم کرده بود.

علی فرمود: «من از اول از همین میترسیدم، عجب! مواظب بلیغ بادلهای مستعد چنین میکنند!» این بود عکس العمل معاصران علی در برابر سخنانش.

(۱) : بحسب آنچه من شخصاً شمرده‌ام، اگر در عدد اشتباه نکرده باشم.

( بقیه از ص ۴ )

كودك) از این «ماده» در هر شبانه روز بطور متوسط تقریباً به ۲۰۰ گرم بمب میرسد. بنابراین مردم نیجریه شرقی (بیافرا) باید شکر خدا را بجا آورند که اگر غذایی بآنها نمی‌رسد سهمیه بمب آنها نیز هرگز باین مقدار نرسید.

راستی ما نمی‌دانیم مرتکبین این اعمال در پیشگاه تاریخ، و وجدانهای بیدار و زنده جهان، که امواج تبلیغات دروغین، و عناوین توخالی، و تشبیهات دیپلماسی، در آنها کمترین اثری بجای نمی‌گذارد، چه خواهند گفت، و چگونه خود را تبرئه خواهند نمود!

ولی این رامیدانیم تاروژی که تنها حاکم بر سر نوشت ملتها همین اصول مادی است، و هر بخشی از جهان تنها بخاطر منافع مادی خود از هر طریق و بدون هیچ قید و شرط تلاش میکند، و مفاهیمی مانند «آزادی» و «عدالت» و «حقوق انسانها» و «اخلاق و ارزشهای انسانی» ملعبه‌ای در راه همان منافع هستند این وضع ادامه خواهد داشت و بشریت روزگاری بهتر از این پیدا نخواهد کرد.